

«کاجستان»

آموختنی‌ها

۱ آشنایی با معنا و مفهوم شعر کاجستان و حکایت (حکایت)

۲ توجه به فضایل اخلاقی مانند: ایثار و توجه به هم‌نوعان

۳ به کارگیری واژگن «چون» - «چو» با معانی مختلف

۴ آشنایی با کلمات هم‌آوا و هم‌نویسه

۵ آشنایی با شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان

۶ آشنایی با محمد جواد مجتبی‌شاعر شعر کاجستان



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

ملک: پادشاه

ملک: قلمرو، سرزمین

مصیبت: گرفتاری

غوطه: غرق شدن

عافیت: سلامتی

ویلون: یکی از سازهای موسیقی

غایت: نهایت، آخرین درجه

خامش: مخفف خاموش

تأمل کردن: درنگ کردن، با فکر طاری را انجام دادن

پاگرفت: استوار شد، رشد کرد.

افق: کرانه‌ی آسمان

حصار: پره‌حین

تصور: اندیشه

محنت: سختی، رنج

در نهاد: شروع کرد

نیازموده: تجربه نشده، آنچه آزمایش نشده

ملاطفت: نرمی -هربانی

کاجستان: جایی که درختان کاج فراوانی روئیده است

کلمات متضاد

دوستی ≠ دشمنی

نرمی ≠ زبری

کلمات هم خانواده

خطوط، خط

حصار، محصور

محنت ≠ آسانی

ضرر ≠ فایده، سود

تحمل، متحمل

ملاطفت، لطف

آشنا ≠ غریبه، ناآشنا

سالم ≠ نا سالم، خراب

عاقبت، عاقبت

کرم، اکرام - تکریم

دوستی فقط با هم خوش بودن و خندیدن نیست! دوستی یعنی در زمان نیاز و درماندگی به یکدیگر کمک کنیم و خاطره‌ی روزهای خوب را از یاد نبریم. دوست خوب با راهنمایی‌ها و کمک‌های به موقع، ما را یاری می‌کند و از خطر می‌رهاند. به همین دلیل باید قدر دوست‌های خوبمان را بدانیم.

کاجستان

خارج از ده، دو کاج رویدند

در کنار خطوط سیم پیام

بیرون روستایی، دو کاج در نزدیکی شبکه‌ی سیم کشی مخابرات رویدند.

آن دو را چون دو دوست می‌دیدند

رهگذران

دراز

سالیان

روزی از روزهای پاییزی زیر رگبار و تازمانه‌ی باد

در یکی از روزهای پاییزی، آن هنگام که باران سنگی می‌بارید و باد مانند حرکت شلاق، می‌وزید.

یکی از کاج‌ها به خود لرزید خم شد و روی دیگری افتاد

یکی از آن دو کاج لرزید، خم شد و روی کاج دیگری افتاد.

گفت: ای آشنا، بیخش مرا خوب در حال من تأمل کن

کاج افتاده گفت: ای دوست، مرا بیخش. خوب به وضعیت من نگاه کن.

ریشه‌هایم ز خاک بیرون است چند روزی مرا تعقل کن

بین که چطور ریشه‌هایم از خاک بیرون افتاده است! یک چند روزی مرا تعقل کن.

کاج همسایه گفت با نرمی «دوستی را نمی‌برم از یاد

کاج همسایه با ملایمت و لطافت گفت: من دوستی را فراموش نمی‌کنم.

شاید این اتفاق هم روزی ناگهان از برای من افتاد»

🎧 شاید روزی، همین اتفاق، ناگهان برای من بیفتد.

مهربانی به گوش باد رسید باد آرام شد، ملایم شد

🎧 رفتار مهربانانه‌ی این دو کاج به گوش باد رسید. باد هم آرام و ملایم شد.

کاج آسیب دیده‌ی ما هم کم کمک پا گرفت و سالم شد

🎧 کاج آسیب دیده‌ی داستان ما هم، آرام آرام توانایی خود را بازیافت و خوب شد.

میوه‌ی کاج‌ها فرو می‌ریخت دانه‌ها، ریشه می‌زدند آسان

🎧 میوه‌ی کاج‌ها می‌افتاد و دانه‌هایشان به آسانی، در خاک ریشه می‌زدند.

ابر باران رساند و چندی بعد ده ما نام یافت کاجستان

🎧 ابر باران خود را بر سر آن دانه‌ها بارید و پس از گذشت مدتی، اسم روستای ما، (کاجستان) نام گرفت.

پادشاهی با خدمتکار خود به کشتی‌ای سوار شد. آن خدمتکار، هرگز دریا ندیده بود و رنج کشتی‌سواری را تجربه نکرده بود. شروع کرد به گریه و زاری و بدنش شروع کرد به لرزیدن. هر چه قدر با او مهربانی کردند، آرام نمی‌شد و پادشاه از این وضعیت ناراحت شد. مرد داناتی در آن کشتی بود. به پادشاه گفت: «اگر اجازه بدهی من او را به روشی آرام کنم.»

پادشاه گفت: «این نهایت لطف و بزرگواری شما را نشان می‌دهد.» حکیم دستور داد تا نوکر را به دریا انداختند. چند بار در آب فرو رفت؛ لباسش را گرفتند و به سوی کشتی آوردنش. دو دستی، به سکان کشتی آویزان شد. وقتی از کشتی بالا آمد، گوشه‌ای نشست و آرام شد. پادشاه از این کار خوشش آمد، گفت: «قضیه چه بود؟»

حکیم گفت: «غلام ابتدا رنج و عذاب غرق شدن را نمی‌دانست و به این خاطر ارزش آسایش کشتی را نمی‌فهمید.»



(حرف اضافه)

(حرف ربط)

۱- مانند، مثل
۲- زیرا، برای اینکه
۳- هنگامی که - وقتی

کاربرد «چون» یا «چو» در کلمات

به توضیحات زیر توجه کن:

★ گاهی در بعضی جمله‌ها از واژه‌ی «چو» به جای «مثل»، «مانند»، «وقتی که»، به دلیل این که، استفاده می‌کنیم.

مثال: دلی دارم چو مرغ پرشکسته ← دلی دارم مثل مرغ پرشکسته



مثال: چو او را دیدم، از جا بلند شدم. ← وقتی او را دیدم از جا بلند شدم.



★ گاهی در بعضی جمله‌ها از واژه‌ی «چون»، به جای واژه‌های «مثل»، «مانند»، زیرا و به دلیل اینکه، استفاده می‌کنیم.

مثال: پروانه‌های باغ چون تابلوی نقاشی بودند.



پروانه‌های باغ مثل تابلوی نقاشی بودند.

مثال: محمد به مدرسه نیامد چون بیمار بود.



محمد به مدرسه نیامد برای اینکه بیمار بود.



چون وقتی معنای (مثل و مانند) را بدهد، حرف اضافه است و با کمک (چون) دو چیز را به هم مانند کرده ایم. اما اگر معنای (زیرا، به دلیل اینکه) بدهد حرف ربط می باشد که باعث ارتباط دو جمله می شود.

کلمات هم نویسه

بعضی از کلمه ها، چند معنی دارند و چند نوع خوانده می شوند، ولی یک جور نوشته می شوند.

حَسَن
و
حُسْن

شکر
و
شکر

مثال: ملک: پادشاه ملک: پادشاهی

ملک: سرزمین ملک: فرشته

کلمات هم آوا

بعضی از کلمه ها یک جور خوانده، می شوند، ولی در معنا و نوشتار تفاوت دارند. به این کلمه ها هم آوا، می گوئیم.

عرض ارز

مثال:

حیات

غریب

ارز: پول خارجی

خوبش: خود

حیاط

قریب

عرض: پهنا

خبش: گاواهن

شخصیت‌های اصلی و فرعی در داستان

★ به شخصیت‌های اصلی و فرعی در نوشته‌ی زیر توجه کن:

وقتی مادر بزرگ به خانه آمد، درنا و برنا به سوی او دویدند و او را در آغوش گرفتند. او برای بچه‌ها کتاب داستان خریده بود و با مهربانی برایشان از قصه‌های کتاب خواند.

شخصیت اصلی: مادر بزرگ

شخصیت‌های فرعی: درنا و برنا

املا دان

آشنایی با کلماتی که هم آوا هستند و یا نوشتار یکسان با معانی متفاوت دارند به تقویت املا کمک می‌کند. به خصوص اگر این کلمات را در جمله به کار ببرید ساختار و نوشتار و معنای آن‌ها در ذهن باقی خواهد ماند.

با کمک بزرگ‌ترها یا جستجو در اینترنت کلمات هم آوا و کلمات با نوشتار یکسان و معانی متفاوت پیدا کرده و یک جمله با آن‌ها بنویس.

الف: کلمات هم آوا

انسان در طول حیات خود، نیازهای فراوانی دارد.
زباله‌های دانش‌آموزان، حیاط مدرسه را زشت کرده بود.

جمله
حیات
حیاط

از قضا باید سر سفره‌ی غذا، آب بنوشیم

غذا قضا

ب: کلمات با نوشتار یکسان و معانی متفاوت

شکر نعمت، نعمت افزون کند
معرف زیاد شکر برای سلامتی مضراست

جمله

شکر

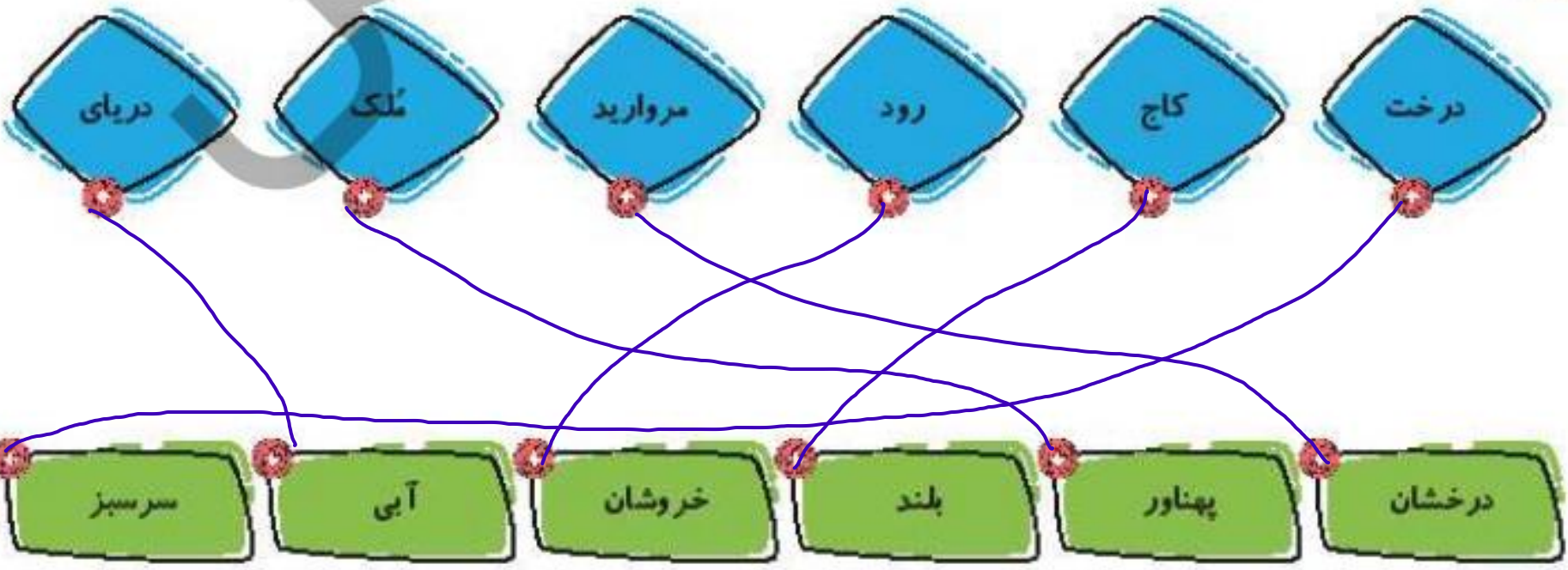
شکر

تمرین



هر کلمه را به توضیح آن وصل کن.

۱



۲ درستى و نادرستى جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: پیام شعر «دو کاج، دوستی و معرفت است.»

ب: ثروت پیرمرد، خانه‌ای بزرگ زیر آسمان بود.

پ: داستان «زیر آسمان بزرگ، ترجمه‌ی پیوک ملکی است.»

ت: کسی که غمی نچشیده باشد، قدر شادی را نمی‌داند.

۲ جمع کلمه‌های زیر را بنویس.

مدارک مدرک

امواج موج

همسایگان همسایه

خطوط خط

رهگذران رهگذر

کاجستان کاج



۴

معنای «چو - چون» را در هر جمله و بیت مشخص کن.

الف: او به خانه برگشت، چون (به دلیل اینکه) چیزی را جا گذاشته بود.

ب: چو (همطای که) نیک نگری، پر خویش در آن بینی.

پ: مرد بی حرکت گوشه‌ای نشسته بود، چون (مانند) انسانی بی جان!

۵

معنی کلمات زیر را بنویس.

غایت ← نهایت

ملاطفت ← محبت - مهربانی

غوطه ← غرق شدن

جامه ← لباس

خامش گردانم ← ساکت نم

تأمل کردن ← زنگ - اندیشه

۶

با کمک حرف (چون) افراد یا چیزها را به هم مانند کن.

الف: بچه‌ها چون ... ماه زیبا هستند.

ب: مادرم چو درخت بید صبور و فداکار است.

پ: خانه‌ی مادربزرگ چون ... دریا صمیمی و دلگشا است.

کلمه ی «ملک» را با نشانه های (تِ) بخوان، معنی کن و سپس با هر کدام جمله ای مناسب بنویس.

جمله

معنی

ملک از این تدبیر، خوشش آمد

پادشاه

ملک

هدیه، سرپرست حیوانات ملک سلیمان بود

سرزمین فرمانروایی

ملک

ملک بر پیامبر نازل شد

فرشته

ملک

ملک پدري ما، قدیمی و ارزشمند است

سرزمین

ملک

کلمه‌ی زیر، کوتاه شده‌ی چه کلمه‌ای است؟

۸

خاموش

خامش

با توجه به حکایت، حکمت، کامل کن.

۹

شخصیت‌های داستان :

پادشاه

شخصیت اصلی :

غلام - حلیم

شخصیت فرعی :

تصاویر زیر، کدام ضرب‌المثل را به یادت می‌آورد؟ آن را بنویس.

۱۰

مکان اتفاق : دریا
پیام داستان : قدر عاقبت کسی دانند که به مصیبتی گرفتار آید.



ضرب‌المثل : از هر دستی بدی، از همان دست می‌گیری

با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: کدام گزینه به ضمیر «او» اشاره دارد؟

(۱) خانام خانه من

(۲) جامه‌ای یک جامه

(۳) نوداش نوه او

(۴) نامه‌ات نامه تو

ب: کدام گزینه، معنی کلمه‌های مشخص شده را دارد؟

«من او را به طریقی خامش گردانم،

(۱) راهی - خام کنم

(۲) طریقه - بی‌نور کنم

(۳) روشی - ساکت کنم

(۴) طوری - خام کنم

پ: علت آرام شدن باد، در شعر «کاجستان، چه بود؟

(۱) شاخ و برگ‌های دو کاج

(۲) ابری شدن آسمان

(۲) مهربانی دو کاج نسبت به هم

(۴) باریدن باران

ت: بر اساس شعر «کاجستان، کدام گزینه درست نیست؟

(۱) باد وقتی دید که ریشه‌های کاج از خاک بیرون است، آرام شد.

(۲) در یک روز پاییزی، باد شدیدی وزید.

(۲) دو کاج، سال‌ها با هم دوست بودند.

(۴) دانه‌ی کاج‌ها پراکنده شد و کاج‌های زیادی روید.

ث: در عبارت زیر چند کلمه‌ی «جمع، به کار رفته است؟

«روزی از روزها، پیرمردی به نوه‌اش گفت: من دیگر پیر شده‌ام و مدت زیادی از عمرم باقی نمانده

است. دلم می‌خواهد پس از مرگم ثروتم به تو برسد.»

(۱) یک

(۲) دو

(۳) سه

(۴) چهار



متن زیر را بخوان و به سوالات پاسخ بده.

۱۲

مَثَل

«دختر غمگین چون گل پژمرده‌ای سرش را خم کرده بود و با چشمانی اشکبار به آب نیلگون دریا چشم دوخته بود. ناگهان در کمال نلباوری، پری دریایی زیبایی را دید که از میان امواج سر بر آورده و چون از او خیلی دور بود، لبخندش دیده نمی‌شد...»

الف: «دختر غمگین، چه نوع ترکیبی است؟»

دختر، غمگین است

ب: دو ترکیب دیگر مثل «مرد غمگین، نام ببر.»

صدای بلند
کلاس بزرگ

پ: یک ترکیب اضافی نام ببر.

سکان کشتی

ت: به نظر تو «پری دریایی، به دختر چه می‌گوید؟»

برآمده دانش آموز